



# آرتمیس فاؤل

Beacham's Guide To Literature For Young Adults

شهرلا انتظاریان و مطالعات فرهنگی

## درباره نویسنده:

ایرلند و حواشی آن، منبع الهام کالفر در خلق شخصیت‌های فراطبیعی بوده است. او در ۱۴ ماه مه سال ۱۹۶۵ میلادی، در سواحل جنوبی ایرلند (وکسفورد) متولد و در خانواده‌ای بزرگ شد که به خیال‌پردازی‌هایش میدان می‌داد.

کالفر در همان سال‌های اول زندگی، عشق ورزیدن به کتاب را آموخت و شیفته داستان‌های جنایی برت لادلوم (bert Ludlum) و جک هایگینز (Jack Higgins) شد. او در یک مدرسه محلی پسرانه که پدرش در آن درس می‌داد، تحصیل کرد و با ذهن خیال‌باف خود، داستان‌هایی می‌نوشت و تصاویری می‌کشید. کالفر برای عملی کردن آرزوی خود مبنی بر آموزگاری، در رشته تربیت معلم کالج دوبلین ثبت نام کرد و دوره سه‌ساله مربوط به آموزش ابتدایی را همان جا گذراند.

دانش‌آموزانش از کلاس‌های قصه‌گویی او که درباره شخصیت‌های جادویی ایرلند بود، لذت می‌بردند. شب‌ها یا به نوشتن می‌پرداخت و یا در گروه هنرهای نمایشی شرکت می‌کرد. کالفر به عنوان مدیر نمایش، نویسنده و بازیگر مسئولیت‌های مختلفی داشت.

وقتی ناشران به نخستین کتاب او جواب رد دادند، کالفر ناامید شد و به اتفاق همسرش، سفرهایی چند ساله، پرماجرا و اسرارآمیز در پیش گرفت؛ تدریس در عربستان سعودی، تونس و ایتالیا. سپس به وکسفورد بازگشت و به دانش‌آموزان کم‌توان و دارای مشکلات عاطفی درس داد و این امر، امکان شناخت نگرش نوجوانان و طبع شوخ آن‌ها را برایش فراهم کرد. وی هالی شورت (holly short) شخصیت مورد علاقه‌اش در آرتمیس فاؤل را از شخصیت دختران دانش‌آموزش در وکسفورد الهام گرفت.

کالفر که خیال‌پردازی‌های خود را به پاتیلی پرچوش و خروش تشبیه می‌کند، مدعی است دانش حاصل از تجربیاتش، دیده‌هایی بکر برای او به ارمغان آورده. تجربیات کالفر از کشور تونس، الهام‌بخش نوشتن اولین کتابش بوده است که شخصیت اول ایرلندی آن، برای انجام مسابقات در کشور تونس به سر می‌برد و یک پسر بومی یتیم با او همبازی می‌شود. بنی و عمر (Benny and Omar) که داستانی خنده‌دار است، در سال ۱۹۹۸ منتشر شد و ظرف مدت کوتاهی، رکورد فروش کتاب در ایرلند را از آن خود کرد. این کتاب، تاکنون دست کم به هفت زبان اروپایی ترجمه شده است.

یک سال پس از آن، کتاب بنی و بیب (Benny and Babe) را عرضه کرد که نامزد جایزه بیستو مریت (Bisto Merit) در آن سال شد.



فهرست درخواستی (The Wish List)، یک داستان ترسناک در سال ۲۰۰۰ به بازار آمد و جایزه بیستو مریت را در سال بعد گرفت. کالفر هم‌چنین، مجموعه کتاب‌هایی با عنوان (O'Brien Flyers) و شخصیت اد کوپر (Ed Cooper)، برای مخاطبان خردسال نوشته است. براساس گزارش خدمات کتابخانه‌ای ایرلند، از این مجموعه کتاب‌ها با عناوین سرلگن نشستن (Going Potty)، پای مضحک اد (Ed's Funny Feet) و رختخواب اد (Ed's Bed) استقبال بسیاری شد.

پس کالفر بر آن شد درباره اسطوره‌های ایرلندی داستانی بنویسد که برای تمام سنین جذاب باشد. وی با خلق شخصیت‌های غیر کلیشه‌ای و بهره‌گیری از فضایی که بر آن تکنولوژی پیشرفته حاکم است، می‌خواست یک فانتزی متفاوت خلق کند. بنا به اعتقاد کالفر، بسیاری از مردم به دلیل دستاوردهای خارق‌العاده کامپیوتر، آن را با جادو یکی می‌دانند.

آرتمیس فاؤل، در سال ۲۰۰۱ منتشر شد. وقتی اولین نسخه چاپ شده آن به دست کالفر رسید، آن را با دانش آموزشی که از آن‌ها الهام می‌گرفته، سهیم شد. اگر مبنا را میزان جنجال‌های تبلیغاتی در نظر بگیریم، کتاب آرتمیس فاؤل بعد از کتاب هری پاتر قرار می‌گیرد، ولی خود کالفر، بر این نکته که کتاب‌هایش کاملاً متفاوتند، اصرار می‌ورزد.

این کتاب، علاوه بر قرار گرفتن در فهرست پر فروش‌ترین کتاب‌های ایرلندی و بریتانیایی، خیلی زود به صدر فهرست پر فروش‌ترین کتاب‌های نیویورک تایمز رسید.

فروش کتاب واقعه قطب شمال (The Arctic Incident) که پس از کتاب فوق و در سال ۲۰۰۲ منتشر شد، حتی از فروش کتاب آرتمیس فاؤل هم

بیشتر بود.

کالفر تصمیم دارد مجموعه‌ای سه جلدی از آرتمیس فاؤل بنویسد که بنا به گفته وی، آرتمیس در این کتاب‌ها نسبت به کنش‌های خود، از نظر اخلاقی آگاه‌تر می‌شود و سرانجام، به این نتیجه می‌رسد که خانواده ارزشمندتر از ثروت است.

کالفر حق ساخت فیلم کتابش را به کمپانی میرامکس و تریبکا (Miramax and Tribeca) فروخته که تولید آن از سال ۲۰۰۲ شروع شده است. در پی موفقیت‌های مالی حاصله، کالفر از آموزگاری کناره گرفت و اکنون می‌تواند تمام وقت خود را به نوشتن اختصاص دهد.

آرتمیس فاؤل، نامزد جایزه کتاب‌های کودکان سال ۲۰۰۱ کتاب بریتانیا شد و در فهرست نهایی کتاب‌های کودکان (Whitbread) قرار گرفت. در آوریل سال ۲۰۰۲، هیأت داوران جایزه کتاب دبلیو اچ اسمیت (W. H. Smith)، آرتمیس فاؤل را به

## فضاسازی

مخاطبان کتاب، آرتمیس فاؤل و دستیار اصلی‌اش، باتلر را در اوایل قرن بیست و یکم، در شهر هوشی مینه‌ویتنام می‌یابند. در واقع کالفر، با کنار هم قرار دادن سفیدپوستان رنگ پریده و همتهای آسیایی عجیب و غریب‌شان، فضایی اسرارآمیز پدید می‌آورد. عکس‌العمل وحشت‌زده نگوین جاسوس (Ngyyen xuan) نسبت به ظاهر و رفتار آرتمیس، از وقایع شومی حکایت دارد که بعداً اتفاق می‌افتد. شاید بتوان تأکید نویسنده بر خیابان‌های باریک ویتنام را نشانه‌ای از عزم جزم آرتمیس، برای به دست آوردن نسخه‌ای از کتابچه جن‌ها دانست؛ کتابچه‌ای که تمامی اسرار جن‌ها در آن موجود است. سارقان خیابانی و مستان بی‌خانمان و دائم‌الخمر از خشونت که بعداً آرتمیس و باتلر تجربه می‌کنند، خبر می‌دهند. راوی دانای کل، مانند متخصصی روان‌شناس،

## شخصیت‌های کالفر، تفننی انتخاب نشده‌اند.

### او گونه‌های ادبی را با جن‌ها، الف‌ها و پیشرفته‌ترین تکنولوژی تخیلی

### که توانمندی آن‌ها از اکثر امکانات واقعی و قابل دسترس

### قرن بیست و یکم برتر است، درهم می‌آمیزد.

### کالفر هم‌چنین، به اثبات می‌رساند که یک انسان خردمند و باهوش،

### می‌تواند بسیار کارآتر از فناوری پیشرفته باشد و

### از جنگ جان سالم به در برد. او با اشاره به اهمیت رودخانه‌ها،

### درختان و ماه در حفاظت از جادو، قدرت طبیعت و

### سنت‌های قدیم را به نمایش می‌گذارد

به مخاطبان یادآوری می‌کند که شهر هوشی مینه، همان سایگون است و به این ترتیب ماجرای تاریخی سقوط آن شهر به دست نیروهای کمونیست در جنگ ویتنام، در ذهن خواننده تداعی می‌شود. آرتمیس هم برای فروپاشی قدرتی مشابه، بر آن است با به دست آوردن کتابچه جن‌ها، بر آن‌ها تسلط یابد و به آرزوهای مالی خود برسد.

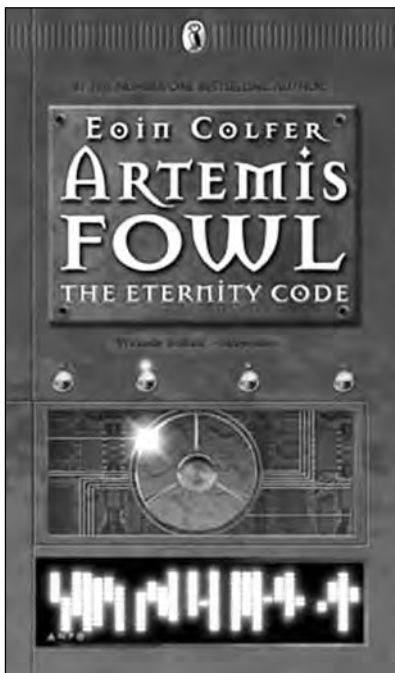
ایرلند فضایی سرنوشت ساز است؛ چرا که تاریخ و اسطوره‌های آن بر پایه و اساس جادوست. جمهوری ایرلند، آن طور که در افسانه‌ها آمده، به عنوان سرزمین زندگی جن‌ها، منطقه‌ای محسوب می‌شود که بیشترین جادوها در آن گردآوری شده است. تمامی شخصیت‌ها به ایرلند کشیده می‌شوند؛ جایی که مرکز و نقطه اوج صحنه‌های داستان است. جن‌ها به ایرلند می‌آیند و قلمرو شناخته شده آرتمیس را به سلطه خود درمی‌آورند. انتخاب ایرلند برای طرفین مناسب است؛ زیرا هم با آرتمیس و هم

عنوان بهترین کتاب سال انتخاب کرد.

## خلاصه کتاب

پس از ناپدید شدن پدر آرتمیس فاؤل، او برای احیای ثروت خانوادگی‌اش، تصمیم می‌گیرد یک موجود فراطبیعی (الف) به نام سروان هالی شورت را برآید و در ازای او طلا بگیرد. این نوجوان دوازده ساله، دارای مهارت‌هایی خارق‌العاده است و با به کارگیری این توانایی‌های عجیب و غریب، از شرایط به نفع خود بهره‌برداری می‌کند.

این عملیات موجب می‌شود تا نیروی ویژه نخبگان زیرزمینی (LEP recor) دست به کار نجات هالی شورت برای گرفتن هالی، چندین نوع شخصیت فراطبیعی که در مجموع «مردم» خوانده می‌شوند، در ملک اربابی فاؤل گرد هم می‌آیند. فاؤل با همکاری سرپیشخدمت (Butler) وفادارش، مصمم است که فاتح باشد.



دوربینی است که آرتمیس بتواند او را زیر نظر داشته باشد. هالی با اطمینان می‌گوید که سیمان آن‌جا تازه است و درمی‌یابد که آن سلول مخصوص وی ساخته شده است تا نه تنها حصری برایش باشد، بلکه امکان دفن میوه بلوطش را هم نداشته باشد. او تختخوابش را بر زمین می‌کوبد تا خاک نمایان شود و بتواند میوه‌اش را دفن کند و دوباره قدرت جادویی‌اش را به دست آورد. آنجلین پس از این‌که از حمله جن‌ها جان سالم به در می‌برد و دوباره هشیاری خود را به دست می‌آورد، اولین برنامه‌اش آراستن خود است که حکایت از بازسازی شخصیت وی دارد.

شبکه زیرزمینی جن‌ها، تمدنی مخفیانه و ناشناخته برای اکثر انسان‌هاست. فضایی به موازات دنیای شرم‌آور جنایتکارانی پلید که پدر آرتمیس با آن‌ها معامله داشته است. گروه انبوهی از جن‌ها، الف‌ها (Elf)، گابلین‌ها (Goblin)، دورف‌ها

با تاریخ آن «مردم» مناسبت دارد. این در حالی است که کنترل زیرزمین، برای آرتمیس مشکل است. ملک اربابی فاول، مظهر امنیت است. ساختمان واقع در آن، یک قلعه قرن پانزدهمی است که توسط هاف (Hugh) فاول، نیای آرتمیس ساخته شده و توسط آرتمیس، به فن‌آوری مدرن، هم‌چون نورهای صنعتی و دوربین‌های فیلم‌برداری جادویی مجهز گشته است تا به کمک این وسایل، متجاوزان را دفع کنند. این قصر، با دیوار سنگی بلندی محصور شده و زمین‌های اطراف آن باتلاقی است.

در داخل این قلعه، همه چیز گواه ثروت و مکتب زیاد است. هم‌چنین؛ نماهایی از قرون وسطی، در مقابل ملزومات مدرن قرار گرفته‌اند. کتابخانه آرتمیس در خود مرکز فرماندهی ملک اربابی فاول و به شبکه‌های کامپیوتری مجهز است تا اخبار مهم اینترنتی را در دسترس او بگذراند.

## شبکه زیرزمینی جن‌ها، تمدنی مخفیانه و ناشناخته

برای اکثر انسان‌هاست. فضایی به موازات

دنیای شرم‌آور جنایتکارانی پلید که پدر آرتمیس

با آن‌ها معامله داشته است. گروه انبوهی از جن‌ها،

الف‌ها (Elf)، گابلین‌ها (Goblin)، دورف‌ها (Dwarf) و

ترول‌ها (Trol) با تجاوز به بشر که آن‌ها را

مردم لجنی (Mud People) می‌نامند،

در زیرزمین فرمان می‌رانند

و در یک فضای خفقان‌آور شهری سکونت دارند

زیرزمینی یافت می‌شود.

این شخصیت‌های جادویی، اجازه ورود به محل زندگی انسان‌ها را ندارند؛ مگر این‌که از آنان دعوت شده باشد. سروان هالی شورت، در تعقیب ترولی که از زیرزمین خارج شده است، با شنیدن صدای گریه کودکی جهت استمداد، به رستورانی ایتالیایی می‌رود. تلاش او برای غلبه بر ترولی، به دلیل ازدحام مردم در آن رستوران که با نور شمع روشن است، دشوار می‌گردد. به دلیل ضعیف بودن سپر محافظتی‌اش، انسان‌ها هالی را می‌بینند و او مجبور می‌شود حافظه آن‌ها را پاک کند. ناشیانه رفتار کردن هالی در دستگیری ترولی، موجب می‌شود با افسر مافوقش درگیری پیدا کند و مسافرت حساس او به الف ربایی منجر می‌شود.

### مضمون و شخصیت‌ها

موضوع اصلی داستان، حرص و زیاده‌خواهی است. ضد قهرمان، آرتمیس فاول دوم، کودک اعجوبه‌ای است که نقاط ضعف خود را کم‌تر می‌شناسد. آرتمیس پسر خانواده‌ای ثروتمند است که از تحقق آرزوهایش لذت می‌برد. او از چیزهایی که خواهان کسب آن نیست، شناختی ندارد. شخصیت او بیانگر خودشیفتگی، خودپسندی و برتری‌طلبی است. در حالی که تنها ضعفی که خودش بدان اقرار دارد، «حساسیت به گرد و غبار» است. آرتمیس با شعار «دشمن را بشناس» زندگی می‌کند و برای تجهیز خود، به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد.

از همان ابتدای داستان، او نابه‌ای تصویر می‌شود که قادر به استفاده از عینک‌های محافظی است که دیدن در تاریکی را امکان‌پذیر می‌سازند. با استفاده از کامپیوتر و فناوری دیجیتال، اطلاعات

(Dwarf) و ترولی‌ها (Trol) با تجاوز به بشر که آن‌ها را مردم لجنی (Mud People) می‌نامند، در زیرزمین فرمان می‌رانند و در یک فضای خفقان‌آور شهری سکونت دارند. این شخصیت‌ها از زندگی در هوای گرم هسته زمین لذت می‌برند و در حمام‌ها و استخرهای پر گل و لای، دلی از عزا درمی‌آورند. مهم‌تر آن‌که با انسان‌هایی که آن‌ها را آخرین مردمان منطقه آزاد روی سیاره می‌نامند، هیچ ارتباطی ندارند.

تونل‌های پر ازدحام و خیابان‌های اصلی که به مراکزی هم‌چون مرکز تجاری اسپاد (Spud) و ساختمان‌های اداری، نظیر مرکز پلیس زیرزمینی و نیروی ویژه ختم می‌شود، با نورهای مصنوعی روشن است. ایستگاه مملو از دورف‌های پرهیاهو و گابلین‌هایی است که به دلیل نزاع، دزدی و سایر اعمال بزهکارانه دستگیر شده‌اند. کنایه معطوف به افسانه چشمه جوانی هم در یکی از فضاهای

او دارای تریبونی است که از طریق آن پیشخدمت را مورد خطاب قرار می‌دهد. آرتمیس با فرمانده روت (Root)، در اتاق کنفرانس روبه‌رو می‌شود تا درباره آزادی گروگان با هم مذاکره کنند؛ جایی که، هم با پوشش زرهی و هم با نقاشی‌های روی دیوار مناسبت دارد. اتاق کنفرانس، ستون‌های چوبی استوانه‌ای و کفپوش پارکت دارد و با قالیچه‌های تونسسی مفروش شده است. هم‌چنین، تمثال پرنخوت آرتمیس فاول بزرگ، در گلاوندوق پنهان است.

برخی اتاق‌ها، زندان و یا بخش‌های روانی را تداعی می‌کنند. اتاق زیر شیروانی تاریک آنجلین (Angeline)، مادر آرتمیس، یادآور فضای داستان‌های ویلیام فالکنر (William Faulkner) و چارلز دیکنز (Charles Dickens) است و یک دوربین الکترونیکی ویژه، ملام آنجلین را نشان می‌دهد. سلول هالی دارای یک تخت سفری و



## نقطه ضعف آرتمیس، عواطفش در قبال والدینش است. موضوع عشق و خانواده در مقایسه با سایر مفاهیم مطرح در داستان، کم اهمیت تر به نظر می‌رسد، ولی آرتمیس را برمی‌انگیزاند تا آسیب‌پذیری‌اش را افشا کند

موجود در اینترنت را می‌یابد، آگهی‌هایش را می‌فرستد و کتابچه جن‌ها را اسکن می‌کند و آن را در حافظه الکترونیکی محفوظ نگاه می‌دارد. علاوه بر آن، با استفاده از اطلاعات کامپیوتری، گنومیش (Gnomish)، رمز جن‌ها را رمزگشایی می‌کند و دست به کار ترجمه کتابچه می‌شود تا به قدرت لازم، برای تسلط بر آن موجودات دست یابد. او به همه نوع ابزار الکترونیکی مورد نیاز خود دسترسی دارد. او علی‌رغم این که برای نیل به علایق، مسافرت‌ها و تداویر امنیتی پول کافی در اختیار دارد، همواره چیزهای بیشتری طلب می‌کند.

آرتمیس که فرزند یک خانواده جانی ایرلندی است، تمایلات جایتکارانه خود را بروز می‌دهد و علیه قوانین شورش می‌کند. او نقش متفکر اصلی را دارد که به‌کارگیری هوش خود، دو نقش مقارن و در عین حال متعارض قهرمان و ضد قهرمان را بازی می‌کند.

آرتمیس که همنام خدای شکار یونان است، متوجه شکار شخصی خود است تا به خواسته‌هایش جامعه عمل بپوشاند. او رک و بی‌پرده صحبت می‌کند تا مردم را به وحشت بیندازد و به همکاری با خود وا دارد.

هنگام رویارویی آرتمیس با یک جن ویتنامی الکلی و ریشخند وی برای رسیدن به مقصود خود، خودپسندی و بی‌رحمی آرتمیس به اثبات می‌رسد. او یک هدف دارد:

به اندازه‌ای طلا به دست آورد تا بتواند ثروت خانواده‌اش را که پس از انهدام کشتی پدرش، فالول

استار (Fowl Star)، به وسیله یک موشک روسی، از سطح میلیاردی به میلیونی کاهش یافته است، احیا کند. از هنگام آن انفجار، آرتمیس فالول قبلی دیده نشده است. آرتمیس آسان‌ترین راه برای نیل به این مقصد را ربودن یک جن و تقاضای مبلغ یک تن شمش طلای ۲۴ عیار در ازای آزادی او می‌داند.

او با طراحی یک عینک آفتابی و استفاده از آن برای محافظت از خود در مقابل هیپنوتیزم جن‌ها، از نظر استراتژیکی به خواسته‌اش می‌رسد و در مقابل امدادگران متجاوز، از خانه‌اش دفاع می‌کند.

با وجود این که آرتمیس از نظر فیزیکی، کودکی به سن بلوغ نرسیده است، ولی از نظر هوش بر بسیاری از بزرگسالانی که با آن‌ها درگیر می‌شود، برتری دارد. اعتقاد او به وجود قطعی جن و جادو، بخش بنیادین و بیانگر معصومیت کودکانه اوست. طبیعت بزرگ سالانه وی در تهیه کتابچه راهنما، گروگان‌گیری یک جن و دفاع از خانواده‌اش بروز می‌یابد. در هر حال، احساسات او میان بزرگسالی و شبه کودکی در نوسان است.

نقطه ضعف آرتمیس، عواطفش در قبال والدینش است. موضوع عشق و خانواده در مقایسه با سایر مفاهیم مطرح در داستان، کم اهمیت‌تر به نظر می‌رسد، ولی آرتمیس را برمی‌انگیزاند تا آسیب‌پذیری‌اش را افشا کند.

او پدرش را تحسین می‌کند و نه تنها آرزوی رقابت با او را دارد، بلکه در زیرکی و سنگدلی بر او پیشی می‌گیرد.

آنجلین فالول، زنی ضعیف با ذهنی آشفته تصویر می‌شود که پس از مرگ همسرش، در لاک خیالات خود فرو می‌رود. گاهی صحبت‌های او به گونه‌ای است که انگار شوهر گم‌شده‌اش در کنار وی قرار دارد. هم‌چنین وقتی پرده‌های اتاقش کنار زده می‌شود و او در معرض نور خورشید قرار می‌گیرد، سراسیمه می‌شود.

اعتیاد او به قرص‌های خواب‌آور، بعداً سرنوشت طرح را رقم می‌زند. آنجلین اغلب پسر خود را نمی‌شناسد و از جولیت (Juliet)، خواهر کوچک‌تر پیشخدمت و نیز از مستخدمه، مدام ایراد می‌گیرد. آرتمیس بدبختی آنجلین را تحمل می‌کند و می‌داند چگونگی باید به او پاسخ دهد تا مجابش سازد.

سرانجام این که آرتمیس، دستاورد خود را فدای سلامتی مادرش می‌کند. در پایان داستان، از آنجلین که نامش درخور اوست، عطر روز کریسمس استشمام می‌گردد. شکی نیست که شخصیت وی مغایر با شخصیت فالول هاست. او با علاقه آرتمیس را آرتی (Arty) می‌نامد و درباره مدرسه‌اش جوفا می‌شود تا او دوباره احساسی مشابه پسر بچه‌ها داشته باشد.

سر پیشخدمت همیشه حاضر به خدمت و کاملاً شایسته، از نظر فیزیکی، نقطه مقابل آرتمیس است. وی قدی بلند، بدنی زورمند و ورزیده دارد؛ آدم‌کشی تعلیم دیده که می‌تواند با دست خالی و به شیوه‌های گوناگون آدم بکشد. او معمولاً مسلح به چندین سلاح است.

وی از تبار سلسله‌ای طولانی از محافظان شخصی است که از نسل‌ها پیش در خدمت فالول‌ها بوده‌اند. ترکیب فالول - باتلر، نمایانگر وابستگی، وفاداری و خدمت است. راوی دانای کل، به خواننده می‌گوید که ریشه کلمه «باتلر» از اسم خانواده باتلر گرفته شده است. از بازی روزگار، باتلر از آرتمیسی که جثه‌ای ضعیف دارد، فرمان می‌برد. او را «آقا» خطاب می‌کند و بلافاصله به اوامرش گردن می‌نهد.

این پیشخدمت که از بدو تولد آرتمیس به او اختصاص یافته است، حس پدرانه به وی دارد. او نزدیک‌ترین فرد به آرتمیس و رابطه آن‌ها تا حدودی دوستانه است. جولیت، خواهر باتلر، به اندازه وی مسئول نیست. جولیت اعتقاد آرتمیس به جن‌ها را زیر سؤال می‌برد و از بیگاری برای او بیزار است. او همیشه دستورهای آرتمیس را نادیده می‌گیرد که همین امر، موجب برتری جن‌ها بر آرتمیس می‌شود.

جن‌های کالفر که از آن‌ها با عنوان «مردم» یاد می‌شود، شباهتی به شخصیت‌های قدیمی افسانه‌های پریان ندارند. آن‌ها از تسلیم شدن سر باز می‌زنند، به اوامر آرتمیس بی‌اعتنا هستند و برای آزاد ساختن همکار خود، ترتیب یورش را می‌دهند تا

طلای خواسته شده برای آزادی گروگان را نپردازند. جن‌ها درست مانند آرتمیس که می‌خواهد طلا را از چنگ آن‌ها دریاورد، برای حفظ طلای‌شان عزمی جزم دارند. موضوع غالب، کشمکش و جدال با شخصیت‌های فراطبیعی است که از تمدن و فرهنگ خود، در برابر آرتمیس دفاع می‌کنند.

در ترکیبی از جادو و فناوری نظامی که بسیار پیشرفته‌تر از فناوری بشر است، پلیس زیرزمینی نیروی ویژه، مسئول جنگ با دشمن است. آن‌ها ترولی را که قبلاً دستگیر کرده‌اند آزاد می‌کنند.

ترول کسی است که هیچ رحم و شفقتی در وجودش نیست و به آسانی، جان و مال مردم را تبه می‌کند. متأسفانه، آرتمیس توانمندی‌های هوشی و فناوری شخصیت‌های جادویی را دست کم می‌گیرد. او می‌داند که جن‌ها و آدم‌ها در یک نکته اتفاق نظر دارند و آن، این که علاقه‌ای جادویی به مبادله کالا دارند. همین شناخت به آرتمیس کمک می‌کند تا خواسته‌اش را بخرد.

سروان هالی شورت، یک قهرمان زن فوق‌العاده است. این الفی پرکار، در برابر دستورات مافوقش، روت، مبنی بر تجدید قدرت جادویی‌اش مقاومت می‌کند. شورت از مافوق مذکرش که از افسران ارتشی نالایق و زن ستیز است، تنفر دارد. هالی شورت با سه فوت قد، از نوادگان کوپیدون (Cupid) به شمار می‌رود و به عنوان یک الفی جذاب از او یاد می‌شود. وی اولین افسر مؤنث پلیس است و به سبب پیش‌دوری فرمانده خود که این شغل را برای یک زن خطرناک می‌داند، با او درگیری دارد. هالی ناگزیر است که خودش را مدام اثبات کند تا فرمانده‌اش او را به بخش کنترل ترافیک نفرستد. علی‌رغم علاقه هالی به کلاهخود مدرن و یونیفرمش، از این که مجبور است مانند جن‌ها لباس بیوشد و ماهیت الفی خود را مخفی سازد، خشمگین است. او پس از تلاش سختی که برای به دام انداختن ترول در ایتالیا انجام می‌دهد، ضعیف و بی‌دفاع می‌شود. از طرفی، هالی با شجاعت در مقابل آرتمیس می‌ایستد و در دوران اسارتش، جذب آرتمیس او را به زانو در نمی‌آورد. پس از حمله ترول به باتلر، هالی برای نجات جان او، علاوه بر هوش و کاردانی‌اش، طبیعت دلسوزانه خود را نمایان می‌سازد. علاوه بر آن، با انسان‌هایی که نگران آن هستند که در حمله با بمب بیولوژیکی تخریب‌گر آبی کشته شوند، حس همدردی دارد. هالی و جولیت که به اجبار زندانی و محافظ ارباب فاول‌اند، ویژگی‌های مشترک فراوانی دارند. هالی که از غلبه آرتمیس بر خود دلخور است، عهد می‌کند انتقام بگیرد و کارشناس نیروهای ویژه در پرونده آرتمیس فاول شود.

فرمانده جولیوس روت (Julius Root)، به هالی تذکر می‌دهد که او باید موقعیت جنس مؤنث

را در نیروهای ویژه تثبیت کند. از آن‌جا که این فرمانده در هنگام عصبانیت، به رنگ بنفش درمی‌آید، کارمندانش به او «لبو» لقب داده‌اند. روت پیوسته هالی را تهدید می‌کند که او را به بخش کنترل ترافیک می‌فرستد و بر احیای قدرت جادویی او، بیش از انجام وظیفه‌اش اصرار می‌ورزد؛ مأموریتی که به روت شده هالی منجر می‌گردد. روت به افرادش دستور می‌دهد برای آزادی هالی از دست رباینده‌اش، از هیچ‌کاری فروگذار نکنند. او حتی با استفاده از دوربین چشمی، سعی می‌کند در خلال مذاکره با آرتمیس، فکر او را بخواند. از برکت وجود فلی (Foaly)، سنتور کج‌خیال، بچه‌های گروه اصلاح، از تکنولوژی برتری

کوتوله جا‌بزند. دکتر جی. آرگون (J. Argon) روان‌شناس، در گزارشی که برای دانشکده نیروهای ویژه تهیه می‌کند، آرتمیس را شخصی تودار و بی‌وجدان معرفی می‌کند که سایر متخصصان سلامت روانی را کلافه کرده است.

دکتر آرگون به اتفاق همکارش، دکتر کومولوس (Cumulus) (که اسامی آن‌ها بیانگر دمدمی مزاج بودن‌شان است)، رفتار آرتمیس را در خلال جنگی که در ملک فاول درمی‌گیرد، بررسی می‌کند تا دروغ یا راست گفتن آرتمیس را تشخیص دهد. دکتر براساس محاسبات انجام شده روی قربانی‌اش، ضمن گزارشی رفتار آرتمیس را با

## ایرلند فضایی سرنوشت ساز است؛ چرا که تاریخ و اسطوره‌های آن

بر پایه و اساس جادوست. جمهوری ایرلند،

آن طور که در افسانه‌ها آمده، به عنوان سرزمین زندگی جن‌ها،

منطقه‌ای محسوب می‌شود که بیشترین جادوها

در آن گردآوری شده است

موجودات جادویی محکوم می‌کند و در ضمن، وحشتش را از توانمندی‌های هوشی او بیان می‌دارد. علاوه بر آن، اطلاعات فراهم آمده او، معرف اولین اقدامات شرورانه آرتمیس در این داستان است، ولی نه آخرین آن‌ها. کنجکاوای او در مورد صداقت آرتمیس برای شفای مادرش، حاکی از آن است که آرتمیس در واقع، قصد فرار از دست سرویس‌های اجتماعی را دارد.

### کیفیت ادبی

تقریباً همه منتقدان متفق‌القولند که تلفیق تکنولوژی مدرن و افسانه‌های پربان توسط کالفر، رضایت‌بخش‌ترین عنصر داستان است. کالفر با ایجاد تغییراتی در آن چه از شخصیت‌های فراطبیعی، در زبان سلتی قدیم آمده است، مخاطبان را با تعبیری مدرن از اشباح قدیمی سرگرم می‌سازد. این شخصیت‌های افسانه‌ای، اغلب صلح‌جو، مفید و مهربان ظاهر می‌شوند و در ردیف یایغانی متجاوز و خودمحور قرار می‌گیرند.

شخصیت‌های کالفر، تفننی انتخاب نشده‌اند. او گونه‌های ادبی را با جن‌ها، الف‌ها و پیشرفته‌ترین تکنولوژی تخیلی که توانمندی آن‌ها از اکثر امکانات واقعی و قابل دسترس قرن بیست و یکم برتر است، درهم می‌آمیزد. کالفر هم‌چنین، به اثبات می‌رساند که یک انسان خردمند و باهوش، می‌تواند بسیار کارآتر از فناوری پیشرفته باشد و از جنگ جان سالم به در برد. او با اشاره به اهمیت رودخانه‌ها، درختان

برخوردارند. او که از جوانی مخترع بوده است، از امکان خواندن افکارش توسط انسان‌ها وحشت دارد و کلاهی آلومینیومی بر سر می‌گذارد تا مانع این کار شود. اصولاً رفتارش خصمانه است و آزردهن روت و وارد کردن ویروس در سیستم کامپیوتری طراحی شده او را دوست دارد.

فلی، روت را از ستوان کادگیون (Gudgeon)، رهبر گروه اصلاح، بر حذر می‌دارد. کادگیون، دوست شش صد ساله روت، جاه‌طلب و خائن به او است. کادگیون که از بخش اطلاعات ارتش برکنار شده است، با همکاری ترول‌ها و بمب‌های بیولوژیکی تخریب‌گر، برای شکست آرتمیس به اجرای مأموریت‌هایی نامعقول دست می‌زند.

موجودات جادویی، حلقه رابط بشریت و جادوست. ترول، غولی بزرگ و پرمو با پنگال‌هایی توصیف می‌شود که هر نوع پیمان‌شکنی، از عهده‌اش برمی‌آید. پیش از نقشه اولیه آرتمیس، واکنش ردیالنه ترول به نور یا صدا، موجب تعامل آن مردمان با انسان‌هاست. مالچ دیگینز (Mulch Diggins) که اسمی درخور خود دارد، یک دورفی به شمار می‌رود که به دلیل جنون زدگی، زندانی است. او با حفر تونلی به زیرزمین فاول، برای آزادی هالی موافقت می‌کند. دیگینز با آرواره‌های لولاماندش، خاک زیرزمین را می‌کند و بلافاصله آن را بیرون می‌ریزد. موی او مانند یک آنتن، در زیر زمین او را هدایت می‌کند. دیگینز بر آن است طلای ارسالی را بدزدد و پس از آن فرار کند و خود را انسانی

و ماه در حفاظت از جادو، قدرت طبیعت و سنت‌های قدیم را به نمایش می‌گذارد.

سیک طنزگونه و زیرکانه کالفر، در زبان او بارزتر است. او برای شخصیت‌ها و فضا سازی‌ها، زبانی مخصوص و اختصاری اختراع می‌کند؛ از جمله پلیس زیرزمینی نیروی ویژه (LEP recon: Lower Elemental Police)، خاطره شویی (memory swips)، آب کشی (blue rinse)، باتون برقی (buzz batons)، آسانسورهای فشاری (overground pass)، گروه اصلاح (Ritual)، هیپنوتیزم / جادو (mesmer)، نوترینو ۲۰۰۰ (Neutrino ۲۰۰۰)، دآویرت (D'Avirt). مخاطبان با شناخت این کلمات و اصطلاحات مخصوص، حس می‌کنند که در کنش‌ها شرکت دارند. شخصیت‌های بذله‌گو و طعنه‌زن، سطرهایی به یادماندنی را رقم می‌زنند؛ نظیر مورد تمسخر قرار گرفتن انسان‌ها و تأکید هالی بر شکل قالبی جن‌ها. هالی بر این اعتقاد است که چنان چه مردم از ریشه اصطلاح «نیروی ویژه» مطلع بودند، بر آن می‌شدند جن‌ها و سایر شخصیت‌های فراطبیعی را از روی زمین بردارند! کتابچه قوطی کبریتی جن‌ها و رمز پریان هم جذاب است و کالفر با دادن سرنخ‌هایی به مخاطب، او را در

تهوع‌آور (Foul)، شخصیت اول کتاب را مشخص می‌کند. علاوه بر آن، کنایه‌ای است از رغبت او برای چسبیدن به ملک اربابی. نام افسانه‌ای آرتمیس که از آن پدر و پسر است، تمایل آنان را به شکار اموال و شخصیت‌هایی که می‌توانند برای‌شان سودآور باشند، آشکار می‌سازد. علاوه بر آن، آرتمیس، الهه‌ای یونانی است که با تعیین سرنوشت و ماه‌های قمری ارتباط دارد. بیشتر کنش‌های آرتمیس، شب‌هایی رخ می‌دهد که نور ماه، تاریکی شب را تعدیل کرده است؛ مانند شب دستگیری هالی که ماه کامل است. مادرش، آنجلین، حتی هنگامی که به دلیل بیماری اعصاب تحمل‌ناپذیر است، نقش فرشته را دارد. او همانند زیبایی خفته است که نیروی عشق، به او جان می‌بخشد و بیدار می‌شود.

از پیش گفتار کتاب که مانند گزارشی روان‌کاوانه است، چنین استنباط می‌شود که آرتمیس، مردم را مورد آزار و اذیت قرار داده است، ولی شیوه نگارش آن، بیشتر خوش‌بینانه به نظر می‌رسد و برای شکل دادن به شخصیت اول سودمند است و درباره انگیزه‌ها و ذهن روان او، به مخاطب شناخت می‌دهد. به کارگیری راوی دانای کل، امکان ارائه دیدگاه‌های متفاوتی را که

## آرتمیس که فرزند یک خانواده جانی ایرلندی است، تمایلات جنایتکارانه خود را بروز می‌دهد و علیه قوانین شورش می‌کند. او نقش متفکر اصلی را دارد که با به کارگیری هوش خود، دو نقش مقارن و در عین حال متعارض قهرمان و ضد قهرمان را بازی می‌کند

شخصیت‌ها در فصل‌های پایایی نمایانگر آن هستند و در ملک اربابی فاول با یکدیگر تعامل دارند، فراهم می‌سازد. مخاطبان درمی‌یابند شخصیت‌هایی که در نبرد شرکت دارند، نه صرفاً سیاهند و نه سفید، بلکه ارائه‌دهنده ترکیبی پیچیده از خصیصه‌ها و ضعف‌های جالب هستند.

کالفر که داستانش را «جان سختی علیه جن‌ها» (Die Hard with Faries) می‌نامد، اذعان دارد که تحت تأثیر شخصیت‌های فرهنگی عام مثل دارت وادر (Darth Vader)، هاکلبری فین (Huckleberry Fin) و جیمزباند (James Bond) قرار گرفته و بر آن بوده است شخصیت‌های خود را موجوداتی تصویر کند که کامل نیستند، دچار اشتباه می‌شوند و قضاوتی نادرست از همدیگر دارند. در بخش مؤخره کتاب، روان‌شناس ذکر شده، مدعی می‌شود که آرتمیس

ظالم باقی می‌ماند و در ادامه داستان که به دهه‌های آتی می‌پردازد، با هالی شورت روبه‌رو می‌شود و سرانجام با او، علیه گابلین متحد می‌گردد.

### تأثیرات اجتماعی

آرتمیس فاول کم‌تر تردید نشان می‌دهد. او برای پیگیری خواسته‌هایش، از به کارگیری وسایل و شیوه‌های غیرقانونی تردیدی به خود راه نمی‌دهد. آرتمیس با خونسردی نقطه ضعف‌ها و ناتوانی‌های مردم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و قدرت آن‌ها را می‌سنجد. برای مثال، او از ناخن‌های مرتب، لباس‌های آراسته و لهجه آکسفوردی نگوین، درمی‌یابد که او مستخدم نیست. آرتمیس به راحتی دروغ می‌گوید و مردم را گمراه می‌سازد. او با خودشیفتگی و بالاتر از آن، رذالت، علائق و خودخواهی خود را حفظ می‌کند و برای دستیابی به آمال خویش، تقریباً به هرکاری دست می‌زند. تنها در مواقعی که نزد مادرش است، سر نخ‌هایی از همدلی او به دست می‌آید. البته، او سوگند خورده است که به مادرش اجازه دخالت در فعالیت‌هایش را ندهد. اصول اخلاقی، هم برای شخصیت‌های انسانی مهم است و هم برای شخصیت‌های فانتزی. باتلر و جولیت معمولاً مطیع ارباب خود هستند؛ سنتی دیرینه که در خانواده آن‌ها محترم شمرده می‌شود. هالی و گروه نیروهای ویژه، معمولاً به همکاران خود وفادارند، ولی گاهی هم شکایتی دارند و دیدگاه‌های جنسیتی خود را مطرح می‌سازند. کارمندان مذکر، برای نجات جان هالی، خود را به خطر می‌اندازند و به گونه‌ای طنزآمیز، شخصیت‌های فراطبیعی در خصیصه‌های انسانی هم‌چون همدلی و رفاقت، گوی سبقت را از دشمنان انسانی خود ربوده‌اند. پس از حمله ترول به هالی، او با نادیده گرفتن جراحت خود، جان باتلر را نجات می‌دهد.

مسائل اخلاقی داستان، با ظرافت ارائه شده است. گرچه آرتمیس تبهکاری افراطی به نظر می‌رسد، رابطه‌اش را با خانواده خود، بر ثروت مادی‌اش مقدم می‌داند. آرتمیس در ازای تمام گنجینه طلایی که به دست آورده است، سلامتی مادرش را می‌خواهد. او دلتنگ پدرش است. نکته‌های ذکر شده در مورد پدرش که او را به دنیای جنایتکاران و برخورد با مافیای روسی مرتبط می‌سازد، در تأکید این مطلب است که آرتمیس، الگوی شخصیتی مناسبی نداشته است و چنان چه راهش اصلاح نگردد، به طور بالقوه توانایی شرورتر و جانی‌تر شدن را دارد. آرتمیس گاه گاهی به طور موقت، توانایی خود را در مورد ادامه رفتار بداندیشانه، به زیر سؤال می‌برد و اعتماد به نفسش کاهش می‌یابد. از آن جا که این رفتارها آوارگی است، اشاره به این دارد که آرتمیس از نظر اخلاقی، می‌تواند رشد کند و در بزرگسالی به خودآگاهی برسد.

تفسیر پیام‌های شگفت‌انگیز متن داستان یاری می‌رساند.

پایه و اساس کتاب بر شوخ‌طبعی است؛ چه وقتی خنده‌دار می‌شود (مثل ارجاعاتی معنی‌دار به ناسزای اکبیری) و چه اسرارآمیز (مثل اظهاراتی تصادفی درباره نابودی شخصیت‌های موزی). خشونت، نظامی‌گری و صحنه‌هایی مضحک مانند نفخ آن دورف، می‌تواند موجب خنده یا انزجار مخاطب باشد. شخصیت‌ها اغلب به زبانی عامیانه و یا گستاخانه صحبت می‌کنند. کالفر، عناصری وحشتناک را به میدان می‌کشاند تا تعبیری شوخ داشته باشد؛ مانند مقایسه آرتمیس رنگ پریده با یک خون‌آشام که این تصویر، در اتاق تاریک مادر و عکس‌العمل شدید او به نور، تقویت می‌گردد.

اسامی برگزیده کالفر، برای انتقال مفاهیم است. نام خانوادگی فاول (Fowl)، طبیعت